

نقل از ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

## مماشات با "اسلام سیاسی"

"بنظر من آمریکا وارد جدال با اسلام سیاسی شده است. این یک جنگ قدرت است. این کشمکش منطقیاً به تضعیف اسلام سیاسی منجر می‌شود.

... جنگ در افغانستان بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی است" (نقل از گفتار منصور حکمت در انترناسیونال هفتگی ۲۰ مهر ۱۳۸۰)

"جنگ افغانستان، جنگ آمریکا و ائتلاف وسیعی از کشورهای مختلف جهان بوده که با هدف سرنگونی طالبان، یعنی یکی از کانونهای قدرت اسلام سیاسی در منطقه و جهان صورت گرفت. سرنگونی طالبان و اسلام سیاسی در این جنگ هم برای مردم افغانستان و هم برای مردم منطقه و جهان امری مثبت بود." (نقل از مصاحبه با آقای کورش مدرسی دبیرکل حزبیک کمونیست کارگری ایران در انترناسیونال هفتگی تحت عنوان حمله آمریکا و استراتژی جدید اعمال قلدری در جهان).

وقتی باب مذاکرات میان جمهوری توده‌ای چین و ایالات متحده آمریکا باز شد و ریچارد نیکسون سفری به چین نمود، مقدمه آنرا ورزشکاران پینگ پونگ چین چیده بودند. این است که در امور سیاست خارجی وقتی از دیپلماسی پینگ پونگ سخن می‌رود همواره مورد چین و آمریکا مطرح است که پس از پیروزی انقلاب چین روابطشان قطع شده بود.

در آن زمان جمهوری توده‌ای خلق چین که نماینده بیش از یک میلیارد مردم جهان بود در سازمان ملل متحد حضور نداشت. امپریالیستها برهبری امپریالیسم "دموکرات" آمریکا با زور حق و توازن حق قانونی و طبیعی مردم چین برای حضور در این جامعه بین‌المللی ده‌ها سال جلو می‌گرفتند. توگوئی اساساً کشور یک میلیاردی چین وجود نداشت. اگر از نوکران امپریالیسم پیرسید به شما خواهند گفت که این اقدام قلدرمنشانه و متکبرانه امپریالیسم آمریکا در متن جنگ سرد درست و منطقی است. در متن جنگ سرد می‌شود هر جنایت و تجاوزی را تجویز و توجیه کرد. جنایتکارانی نظیر موبوتو، محمد رضا شاه، سوهارتو، پینوشه، چانکایچک و... آئینه تمام‌نمای تمدن و دموکراسی تلقی می‌شوند. در عوض یک رژیم دست‌نشانده ۱۵ میلیونی را در جزیره اشغالی تایوان "چین ملی" خطاب می‌کردند. و به وی نه تنها کرسی حضور در شورای امنیت سازمان ملل بلکه حق و تو نیز داده بودند.

در اثر مبارزات جمهوری توده‌ای چین و ایجاد جبهه وسیعی از ممالک جهان که به حمایت از این خواست بر حق برخاسته بودند، با توجه به و جاهتی که این جمهوری با اتخاذ خط مشی انقلابی در جهان بویژه میان مردم ممالک تحت ستم کسب کرده بود، امپریالیسم آمریکا مجبور شد در برقراری این مناسبات و برای برقراری این مناسبات به خواستهای جمهوری خلق چین تمکین کند. حق و توی جزیره تایوان را از وی باز پس گیرد و آنرا برای نماینده کشور چند صد میلیونی چین توده‌ای برسمیت بشناسد. صفت "ملی" را نیز از جلوی نام تایوان حذف نماید زیرا تایوان بخش جدا ناپذیر سرزمین اصلی چین است و باید به این کشور پیوندد. زمانیکه مناسبات جمهوری توده‌ای چین و ایالات متحده آمریکا برقرار شد این جمهوری توده‌ای چین بود که از موضع قدرت سخن می‌گفت و این شکست سیاست امپریالیسم آمریکا در منفرد کردن چین توده‌ای در عرصه جهانی بود. یکی از موضع قدرت و دیگری از موضع ضعف پا پیش می‌گذاشت.

حال این وضعیت را با وضعیت آخوندهای در قدرت در کشور ما قیاس کنید. این رژیم آنقدر جام زهر سرکشیده است که در مقابل زهر خوردن مصونیت یافته است.

رژیم جمهوری اسلامی در افغانستان سیاستش را با سیاست امپریالیسم آمریکا منطبق کرده است و به آنچه در آنجا عمل می‌کند که در خدمت منافع امپریالیسم آمریکاست. همین سیاست را رژیم ایران در مورد شیعیان و کردهای عراق در پیش گرفته است. هر نماینده شیعه که بدرستی به تجاوز و اشغال کشور عراق معترض است با فشار جمهوری اسلامی به سکوت دعوت می‌شود. حضور قوای انگلستان در مرزهای ایران و ایجاد عایق میان ایران و لشکر متجاوز آمریکا در منطقه با رضایت خاطر جمهوری اسلامی و در خدمت سیاست امپریالیسم آمریکا و با توافق قبلی صورت گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی چه در افغانستان و چه در عراق همدست امپریالیسم و بار و یاور وی شده است. امپریالیسم آمریکا رژیم

جمهوری اسلامی را وادار کرده است که قرار داد ننگین الحاقی منع گسترش سلاحهای اتمی را با سرشکستگی امضاء کند و روز بروز بیشتر زیر سلطه نفوذ امپریالیسم آمریکا رود. حکومتی که متکی بر حمایت مردمی نباشد چاره‌ای ندارد جز اینکه با امپریالیسم کنار آید.

دیگر از آن عربده‌های مبارزه ضد آمریکائی خبری نیست. پشم و پيله آخوندها ریخته است.

وقوع زلزله در ایران حکم تعاری را داشت که شکست و جهان بکام کاسه لیسان شد. برای نخستین بار پای کادر پزشکی اشغالگران آمریکائی در عراق به بهانه زلزله به ایران باز شد. دولت آمریکا محاصره اقتصادی ایران را برای مدت سه ماه برچید و ارسال کمکهای داروئی و جنسی را که در خدمت اقدامات انسانی باشد مجاز دانست. طبیعی است که به نسبت گذشتنهای تسلیم طلبانه ایران محتملاً این مدت برای یکی دو سال دیگر تمدید می‌شود و امپریالیسم آمریکا سرخ آنرا در دست می‌گیرد که با شل کن سفت کن آن اهرمی برای ایجاد فشارهای جدید به ایران فراهم آورد. جرج دبلیو بوش این اقدام را به حساب انسان دوستی خود نوشت و تهدیدهای جدیدی علیه دولت ایران به میان کشید که به مزاج رژیم جمهوری اسلامی خوش نیامد و آنرا ناشی از عدم صمیمیت ارزیابی کرد. زیرا قرار نبود که برقراری مجدد مناسبات دیپلماتیک با آمریکا ناشی از بیچاره‌گی جمهوری اسلامی بیان شود.

امپریالیسم آمریکا که از بزدلی آخوندها مطمئن شده است روز به روز خواستههای خویش را افزایش می‌دهد. ایران باید تمام مقررات سازمان تجارت جهانی را بپذیرد، نفت ایران و کارخانه‌های بزرگ تولیدی را خصوصی کند، انحصار سیاست بازرگانی را از بین ببرد، دروازه‌های گمرک را برای ورود کالاهای آمریکائی بگشاید و منابع ملی ایران را به غارت دهد. حضور آمریکا به بهانه یاری و انساندوستی آغازی برای برقراری اسارت‌آور مناسبات میان ایران و آمریکاست. این مناسبات از جانب امپریالیسم آمریکا با زور تهدید و فشار و تحکم از موضع قدرت صورت می‌گیرد حال آنکه از جانب ایران از موضع ترس و وحشت و ضعف کامل تحقق می‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی می‌رود تا کار سازش با آمریکا را با تسلیم طلبی شرم آوری به پایان برساند و امیدوار است که با تکیه بر این امپریالیسم و رشوه دادن به سایر امپریالیستهای اروپائی رژیم خویش را از گرداب انقلاب و سرنگونی نجات دهد و چند صباح دیگری نیز بر اریکه قدرت بنشیند. این تسلیم طلبی را "دیپلماسی زلزله" نام نهاده‌اند.

در همین راستا نام خیابان خالد استانبولی قاتل انورالسادات رئیس جمهور مصر را برای حسن برقراری روابط دیپلماتیک که شرط دولت مصر بود حذف کردند و دولت حسنی مبارک نیز اعلام نمود که دولت مصر حاضر است کار ساختن و ترمیم مجدد ارک تاریخی بم را که بخشی از میراث فرهنگی جهان است با متخصصین مصری بعهده گیرد و آنرا مجاناً به پایان برساند. بنظر می‌رسد که در منطقه محور ایران و مصر همانگونه که در زمان سلطنت پهلوی وجود داشت مجدداً برقرار شود. این محور مطمئناً نسبت به روابطش با اسرائیل تجدید نظر خواهد کرد و این در همان جهتی سیر می‌کند تا منافع اسرائیل و امپریالیسم آمریکا را تامین کند. همه این اقدامات به آن منظور صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار گردد. چنین چرخش آشکاری در سیاست رژیم جمهوری اسلامی که نشانه‌های آن از سالهاست بروز می‌یافت طبیعتاً در صفوف نیروهای مخالف و موافق رژیم جمهوری اسلامی چه در اپوزیسیون و چه در حکومت به ایجاد صفیند بیهای جدیدی منجر می‌گردد.

در این میان نان سلطنت طلبان آجر می‌شود و همه ساواکپهانی که تا دیروز در شهرهای مختلف با یاری "حزب کمونیست کارگری ایران" تظاهرات مشترک می‌گذاشتند مجدداً باید بر سر شغل‌های سابق خویش حاضر شوند. سلطنت طلبان باید مجدداً چمدانهای خود را باز کنند. حال اگر ایرانیان مهندس دوست فکر می‌کنند که این سلطنت طلبان خود فروخته بخود آمده و می‌فهمند که آلت دست امپریالیسم آمریکا هستند و از راه رفته برمی‌گردند در اشتباه خواهند بود. ما با این پدیده بنام کوبائیان فراری روبرو هستیم که آنها را در میامی و فلوریدا لای پوست پياز برای زمان مناسب خوابانده‌اند. سلطنت طلبان ایران مانند شتری هستند که بخواب پنبه دانه می‌بینند. استقرار مناسبات حسنه با ایران زمینه مناسبی برای افشای سلطنت طلبان نوکر صفت و تئوریستهای آنها بدست می‌دهد. بیچاره رسانه‌های گروهی سلطنت طلب در لوس آنجلس که دکانشان کساد خواهد شد.

نزدیکی امپریالیسم آمریکا به ایران در عقب نشینی ایران نسبت به مواضع ضد اسرائیلیش نیز موثر است. امپریالیسم و

صهیونیسم از ایران به عنوان عاملی برای فشار به نهضت فلسطین سوء استفاده خواهند نمود. حملات اسرائیل به ایران نتیجتاً کم خواهد شد و جیره مواجب رهبران و کادرهای حرفه‌ای "حزب کمونیست کارگری ایران" با مشکل مالی روبرو می‌شوند. باید منتظر بود تا دامنه سفرهای یهوده و نشریات بی‌محتوی و گسترده وی بی‌سر و ته آنها که بیشتر حکم قاقالیلی و مشغولیات برای کادرهای بیکاره آنهاست بشدت محدود شود و بدون توضیح تعطیل گردد. از حقوق بازنشستگی نیز چیزی نمی‌ماند. و اگر چیزی بماند سران این "حزب" آنرا به تنهایی بالا می‌کشند چون بعید بنظر می‌آید دولت اسرائیل تامین آتیه همه بیکاره‌ها را بعهده گیرد. خوب است که کادرهای حزبی حواسشان را جمع کنند که در این معامله پر سود که به بدنامی آنها منجر شده است سرشان کلاه نرود. طوری نشود که آش نخورده و دهان سوخته شوند.

برقراری مناسبات ایران و آمریکا چه عواقبی دامنه‌داری که در بر ندارد و چه تحولاتی که در منطقه ایجاد خواهد کرد. بنظر حزب ما هستند ممالکی در منطقه که از برقراری این مناسبات خرسند نخواهند بود. زیرا ایران بهترین راه نفوذ و بهترین مسیر غارت ممالک آسیای میانه است. ایران بهترین سکوی پرش به قفقاز است و ایران شیعه بهترین رقیب عربستان سعودی سنی و پاکستان که ممالک تروریست پرور هستند به شمار می‌آید. این فواید از چشم امپریالیستها و متحدین سابق آنها که همسایه‌های ایران باشند بدور نیست. مالاها نیز باین مواهبت دل بسته‌اند.

حزب ما همواره خواهان روابط دیپلماتیک عادلانه با همه ممالک جهان بوده است. این شرایط را که در کنفرانس باندونگ به تصویب رسیده است ما در برنامه و اساسنامه حزب خود منعکس کرده‌ایم. استقرار هر رابطه دیگری بجز آنچه ممالک جهان بر آن متکی بوده‌اند، رابطه دوستانه نیست، رابطه رئیس و مرئوس است.

### حزب کار ایران (توفان)

نشانی در اینترنت [www.toufan.org](http://www.toufan.org) نشانی پست الکترونیکی [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵ ۸۰۳ ۴۶